



سنگ مفت، حرف مفت!

یادش بخیر...
آب... جغرافی!



شهرام شهیدی
*** طنزنویس ***

فکر می کنید بین تمام کتاب های درسی، کدام کتاب مدام در معرض کوچک شدن حجم است و چه بسا به زودی آن درس از فهرست دروس مدارس حذف شود؟

برخی می گویند ریاضی... چون این روزها دو دوتا هرچور که حساب کنی چهار تا نمی شود. در مملکتی که هشت همه گرو نه است و هرچه حجم آب ذخیره شده پشت سد ها را با حجم آب مصرفی مورد نیاز کشور می سنجی، باز کم می آوری دیگر ریاضی خیلی به کار نخواهد آمد. بنابراین هیچ بعید نیست ریاضی در این کشور به نقطه ای برسد که تمام اصول و ارکانش به هم بریزد و بزرگان ریاضی جهان بروند کشکشان را ببینند.

البته عده ای هم درس تاریخ را گزینه مناسبی برای حذف دانسته اند، چون کتابی که چند صدسال حکومت هخامنشیان را در حد یکی دو صفحه و چند هوپ گفتن به دانش آموزان ارایه می کند، قطعاً به زودی بی خیال همان یکی دو برگ می شود و کریم خان زند می ماند و حوضش!

من اما فکر می کنم کتاب جغرافی این روزها بی خاصیت ترین کتاب درسی است. دانش آموز مدام اسم رودخانه ها و حوضه های آبیگری و دریاچه ها و تالاب ها را حفظ می کند اما وقتی می گوید لطفاً اینهایی که اسم بردی را در واقعیت نشانم بدهید، دبیر و پدر و مادر و بستگان و دوست و آشنا هر یک یا جایی پنهان می شوند یا یابو آب می دهند.

دوستی اشاره می کند این روزها حتی توان یابو آب دادن هم نداریم. با این بی آبی و مدیریت دلنشین آب در کشور نه آب به شهروندان سرزمین می رسد، نه به حیوان بخت برگشته و نه به گیاهان تشنه. برگردیم به موضوع درس. بله خیلی محکم می توان ادعا کرد که جغرافی درس قابل حذفی است، چون هورالعظیم و دریاچه بختگان و دریاچه ارومیه و هامون و جازموریان و زاینده رود و گاوخونی به زودی چنان از صحنه روزگار حذف می شوند که دیگر نتوان نام و نشان و نقشه شان را در کتاب های درسی آورد. از ماهیان خلیج فارس و حیواناتی چون یوزو گورابیرانی هم که هیچ نگوییم بهتر است. خلاصه فکر می کنم به زودی به نقطه ای می رسیم که به بچه هایمان می گوییم «یادش بخیر یک درسی داشتیم قدیم اسمش جغرافی بود...»

یک نماینده مجلس: طرح هایی برای مشکل آب خوزستان تصویب شده اند اما بودجه برایشان در نظر گرفته نشده

فردوسی اگر حالا بود: نه یک داستان است پر آب چشم

- ➔ یک نماینده دیگر مجلس: واسه همین میگویم زودتر اینستاگرام فیلتر شه که به طرح های دیگه برسیم
 - ➔ توییت انگلیسی یک مسئول: مردم در سختی ها دوست داشتنشان را نشان می دهند
 - ➔ بیانیه مشترک فرزندان جمعی از مسئولان از اقصی نقاط جهان: باباهای خوبمان، کسری بودجه فراگیر نشه؟
 - ➔ رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست در حال نشستن: امان از جنگ انسان و طبیعت
 - ➔ یک هنرمند پرافتخار: باید به مردم درباره قطعی آب، آگاهی بخشی کنم
 - ➔ یک روشنفکر: مردم، مادها، پارتهای، آق قویونلوها و قراقویونلوها مقرران این وضعیتند
 - ➔ روزنامه سازندگی بررسی می کند: چطور تحمل مشکلات به ساخته شدن ملت ها و شکوفایی تمدن ها می انجامد
- #آب معدنی #شهر و تنگ

به هم خوردن توازن عرضه و تقاضا آفتابه نیست تو بازار. بر سلطان ش لعنت، کاش بگیرنش زودتر. خونه هم با پولی که داشتیم، پیدا نکردیم. یعنی تا پیدا می کردیم و می خواستیم بریم باز دید یا قیمتش بالاتر می رفت یا یکی با قیمت بالاتر و هوامی زد. دیگه آخرش به بنگاهی به من گفت: «داری به صد دیگه بذار رو پولت، به کیس مناسب دارم، مورد آکازیون، مخصوص سلیقه مشکل پسند خودت، فقط خونه کاذبه.» گفتم: «یعنی چی کاذبه؟» گفت: «مت انباری کاذب دیدی به گوشه خونه رو میگن الکی مثلاً انباری؟» توی پارک که نمی تونیم بریم بشینیم، بچه ها مدرسه نمیرن

و مدام تو پارک دعوا می کنن یه وقت قمه ای چیزی در میارن. مسافرت هم که تا می آیم بجنبیم موج قبلی کرونا جاشو به بعدی میده و بین الموجهین ها هم کوتاه شده. راستش از این مردم هم دلزده شدم چون روشنفکر کلی تحقیق کردن و فهمیدن مقصر اصلی مشکلات کشور، خود مردم و فرهنگ بیمار و تاربخشونه. توی اینترنتم که همیشه زیاد گشت، بهش معتاد میشیم. دور روز دیگه قراره از حقوقمون صیانت بشه و اون وقت نمی تونیم هراسایتی رو بریم و خمار می افتمیم یه گوشه. بهترین کار اینه که جمع کنیم بریم دنیای موازی.

نقل مکان به دنیای موازی

یک ماه از تابستون گذشت و ماهیچی نفهمیدیم. یعنی تا او مدیم بفهمیم آب و برق قطع شد و کورمال کورمال دنبال آفتابه گشتیم کارمون رو تموم کنیم و ادامه فکر کردن و فهمیدن رو به زمان و مکان مناسب تری موکول کنیم. آفتابه نبود. داد زدم اهل خونه کجایید که همینک نیازمند دستان گرم شما مییم. قبل از اینکه سوء تفاهم بشه، گفتم آفتابه برسونید که در جواب شنیدم به دلیل

دنیای موازی شیطون بلائی مسئولان

معمولی در یک دنیای دیگر زندگی می کنیم و مسئولان کشور به طور موازی در یک دنیای توپ و شیطون بلا و به دور از مشکلات هستند. خداوند اگر این طور است، در صورت امکان چند صباحی آنها را هم به دنیای مایاوار، قول می دهیم کاری با آنها نداشته باشیم. حالا قول که نه اما سعی ما را می کنیم.



وحید میرزایی
*** طنزنویس ***

خداوند! تا از بحث دور نشده ایم، یک سوالی که مدت ها ذهن ما را مشغول کرده از خودت می پرسیم. واقعا چطور می شود که بعضی ها این طور می شوند؟ واضح تر بپرسم. چطور می شود که یک نفر وزیر بهداشت باشد و بگوید «مسئولیت آوردن واکسن با وزیر بهداشت نیست.»؟ حقیقتاً مخلوقات عجیبی داری. خداوند! همین طور ادامه پیدا کند، فردا وزیر نیرو می گوید: «مسئولیت تأمین آب و برق با وزیر نیرو نیست.» یا وزیر ارتباطات می گوید: «مسئولیت اینترنت و تلفن ما وزیر ارتباطات نیست.» یا رئیس جمهوری می گوید: «اصلاً به من چه. مسئولیت اداره کشور با رئیس جمهوری نیست.» البته بیشتر که فکر می کنیم، می بینیم در عمل همین طور است و ظاهراً هیچکس جز مردم مقصر نیستند و کسی مسئولیت ما مردم معمولی را به عهده نمی گیرد. خداوند! خودمان جواب سوالمان را گرفتیم، نمی خواهد جواب بدهی. خداوند! حقیقتاً موجودات عجیبی می آفرینی. حالا باز خودت می دانی.

با توجه به وقایع این روزهای کشور به نظرمی رسد طنزنوشتن به منظور انتقاد دیگر جواب نمی دهد. بنابراین تنها کاری که می توان کرد، آرزو و دعا کردن است. پس در این ستون تا وقتی که به دعا کردن و آرزو کردن مالیات نبسته اند، این کار را انجام می دهیم. خداوند! راستش را بخواهی ما یک چیزهایی راجع به دنیاهای موازی شنیده بودیم اما حقیقتاً فکر نمی کردیم منظورت از دنیاهای موازی این باشد. خداوند! کشور بیش از یک سال است درگیر کروناست و لاک پشت به روند واکسیناسیون گفته است زکی، آن وقت وزیر بهداشت می گوید: «وزیر بهداشت یکی از کشورها نامه سراسری تقاضای کمک برای کرونا به من نوشت.» مردم درگیر صدها مشکل اقتصادی هستند، آن وقت مجلس در حال محدود کردن فضای مجازی است. برق مدام در حال رفت و آمد است، آب مردم خوزستان قطع است، آن وقت صداوسیما از ورشکستگی اقتصادی غرب و اعتراض مردم کشورهای اروپایی به سوء مدیریت مسئولان آن کشورها گزارش تهیه می کند. خداوند! واقعا به نظرمی رسد ما مردم

